

Research Article

Explaining the effectiveness of the Islamic defensive legal system

Ali Mehdi Fard¹, Mahmoud Qayumzadeh², Hossein Heidari³

Received: 2020/07/06 Accepted: 2020/09/22

Abstract

War is a social phenomenon that is linked to human history and has been evaluated from historical, political, psychological, military, etc. perspectives. The issue of war and addressing it from a legal perspective can be important because humanity has used war as a method of exercising power and resorting to force, which it itself has sought to legalize and regulate at some point. The principle of no to war, sanctions, and abhorrence is among the certainties of humanity, which, of course, has never been able to find implementation. Among the claims of international law is that the slogan of opposing war has been issued in the form of legal declarations, treaties, charters, etc., but all of them have been forgotten and misused one after the other. The result of this bitter truth is that the concept of war as a legal tool in the name of applying the law has been and is being exploited a lot. Explanation of the legal system of defense of Islam is a title that, on the one hand, explains the theorization of Islam as the final religion, which consists of a coherent, coordinated, and purposeful set, and all its beliefs, rules, and ethics are complementary to each other and at the same time are established and in line with a specific and definite goal. On the other hand, it is a sign of the position and role of religion in determining the legal system of defense of Islam, which means that this system has claimed to be global in various fields, including military discussions, and contains the highest laws under which one can experience a peaceful life free from violence and war. This article, which is based on library and theoretical studies, aims to examine the subject from three perspectives: the preliminaries of war and issues related to it, and finally the issue of war and the end of war.

Keywords: War, defense, self-defense, jihad, primary jihad, peace.

¹ - PhD student, Department of Jurisprudence and Criminal Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

² - Professor, Department of Education and Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. (corresponding author) maarefteacher@yahoo.com

³ - Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.



مقاله پژوهشی

تبیین کارآمدی نظام حقوقی دفاعی اسلام

علی مهدی فرد^۴، محمود قیوم زاده^۵، حسین حیدری^۶

چکیده

جنگ پدیده ای اجتماعی است که با تاریخ بشر پیوند داشته، از دیدگاه های تاریخی، سیاسی، روانشناختی، نظامی و... مورد ارزیابی قرار گرفته است. موضوع جنگ و پرداختن به آن از زاویه های حقوقی می تواند حائز اهمیت باشد چه این که بشر از جنگ به عنوان یکی از شیوه های اعمال قدرت و توسل به زور استفاده کرده که خود در برهه های درصدد قانونمند کردن و انتظام بخشیدن به آن برآمده است. اصل نه به جنگ و تحریم و منفور دانستن آن از جمله مسلمات قطعی بشر است که البته این مهم هیچگاه نتوانست قابلیت اجرایی پیدا کند. از جمله ادعاهای حقوق بین الملل آن است که شعار مقابله با جنگ را در قالب بیانیه های حقوقی، عهدنامه ها، منشورها و... صادر اما همه ی آنها یکی پس از دیگری به فراموشی و مورد سوء استفاده قرار گرفته است. نتیجه ی این حقیقت تلخ آن است که مفهوم جنگ به عنوان یک ابزار قانونی و به نام اعمال قانون مورد بهره برداری بسیار قرار گرفته و می گیرد. تبیین نظام حقوقی دفاع اسلام عنوانی است که از یک سو مبین نظریه پردازی اسلام به عنوان دین خاتم است که از مجموعه ای منسجم، هماهنگ و هدفمند تشکیل شده و همه اعتقادات احکام و اخلاقیات آن مکمل یکدیگر و در عین حال مقوم هم و در راستای یک هدف مشخص و معین است. از دیگر سو نشانه ی جایگاه و نقش دین در تعیین نظام حقوقی دفاع اسلام است و این بدان معناست که این سیستم در زمینه های مختلف و از جمله در مباحث نظامی داعیه ی جهانی شدن داشته، دربردارنده عالی ترین قوانینی است که در سایه ی آن می توان زندگی مسالمت آمیز و عاری از خشونت و جنگ را تجربه کرد. این نوشتار که بر پایه ی مطالعات کتابخانه ای و نظری است، بر آن است تا موضوع مزبور را از سه منظر مورد بررسی قرار دهد: مقدمات جنگ و مسائل مربوط به آن، و در آخر مساله ی جنگ و خاتمه جنگ.

واژگان کلیدی: جنگ، دفاع، دفاع مشروع، جهاد، جهاد ابتدایی، صلح.

^۴ دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق جزا، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

^۵ استاد، گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

maarefteacher@yahoo.com

^۶ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

آنچه دین خاتم را از سایر ادیان و مکاتب جدا می‌کند موضوع نیت و انگیزه‌ای است که در اکثر احکام و دستورات دینی به چشم می‌خورد. از رهگذر نیت است که کاربرد الفاظ به نحوی دقیق و با ظرافت خاص به کار برده می‌شوند. از جمله این الفاظ واژه ی جنگ است که در عناوین دینی جای خود را به دفاع و دفاع مشروع می‌دهد. دفاع مشروع از نهادهای مهم و چالش برانگیز در فقه و مباحث کیفری است. این عنوان در پی دهه‌ها و سده‌های گذشته مورد توجه جدی قرار گرفته و از آنجا که تأثیر بسزایی در تأمین نظم جامعه داشته به عنوان یکی از آموزه‌های ارزنده و تاثیرگذار شریعت است. ناگفته پیداست، جنگ با خشونت، بی رحمی، قساوت، انتقام جویی، ویرانی، خونریزی، وحشت و نابودی عجین است. چه بسا جنگ در راستای اهداف توسعه طلبانه و اغراض مادی و کسب قدرت و جاه طلبی صورت می‌گیرد. در حالی که جهاد در مفهوم دقیق قرآنی خود از همه این موارد مبرا است. در واقع انتخاب واژه ی جهاد در متون و منابع دینی نشانگر بعد معنوی و عبادی عملیات نظامی در جهاد است. البته واژه های قرآنی دیگری چون قتال و حرب نیز به معنی درگیری نظامی است، با این حال به کار گیری این کلمات در قرآن در خصوص تهاجمی است که فاقد انگیزه ی معنوی، انسانی و الهی بوده و در واقع از جنبه ی ضد ارزش برخوردار است. از این جهت ماهیت جهاد در اسلام به معنای یک سلسله عملیات نظامی و خشونت آمیز نیست. درواقع برترین و نخستین اهداف جنگ در اسلام جهاد در راه خداست. این مسئله به آیات فراوانی که مسلمانان را به جنگ و جهاد در راه خدا امر فرموده متکی است. آیاتی چون: و جاهدوا فی الله حق جهاده، جاهدوا با اموالکم و انفسکم، قاتلو المشرکین، کتب علیکم القتال. از بررسی آیات در زمینه جهاد معلوم می‌شود روح جهاد در اسلام دفاع است نه تهاجم. اینکه دستور جهاد بعد از هجرت مسلمانان نازل شد بیانگر آن است که اساس جهاد در اسلام مبتنی بر دفاع بوده، ضمن اینکه مسلمانان در همه سالهای بعثت در مقابل آزار و اذیت تمام عیار مشرکین صبر و استقامت نموده تا شاید کمی از فشار همه‌جانبه‌ی آنها کم شود و البته در نهایت امر هجرت و خروج از مکه در دستور کار مسلمانان قرار گرفت که از آن به هجرت تعبیر می‌شود.

با این همه و بعد از هجرت نیز رفتار خصمانه ی قریش ادامه یافت تا اینکه اولین آیات جهاد برای دفاع از کیان اسلام و مسلمانان بر پیامبر(ص) نازل شد: اذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر(حج: ۳۹) ذکر این نکته ضروری است که لحن آیات جهاد به نحوی است که جهاد را نیازمند دلیل دانسته است مثلاً جهاد برای رفع موانع (انفال: ۳۹) یا جهاد برای حمایت از محرومان و مظلومان و نجات مردم تحت ستم (نسا: 75) این مسئله که جهاد نیازمند دلیل است از اصالت عملی و فرعی بودن امر جنگ حکایت دارد. (سلیمی، 1386: 264).

صلح، مدارا، محبت و دوستی از واژه‌های مبنایی و اساسی در دین است. از این رو جنگ به عنوان یک پدیده استثنایی و ثانویه مطرح می‌شود. با این حال اکثر فقهای اسلامی حکم قتال یا جهاد در اسلام را در حقیقت حکم به دفاع تلقی کرده‌اند. بنابراین بدیهی است که اگر سرزمین اسلامی مورد هجوم قرار گیرد می‌توان و باید دست به دفاع زد. با این حال اهداف عالی‌ه اسلامی و ارج نهادن به حقوق انسانی مانع از آن است که هدف منجر به توجیه وسیله شده و دست مسلمانان به صورت نامحدود باز گذاشته شود و این نیست جز آنکه اسلام برای رسیدن به اهداف مشروع خود وسایل و امکانات موجهی را مد نظر قرار می‌دهد. از این جهت جنگ تدافعی عنوانی است که به دفع حمله و سرکوب پیمان شکنان و متجاوزان و بیرون راندن آنها از سرزمینهای تصرف شده و به طور کلی دفاع از جان و مال و ناموس و عقیده مردم سرزمین اسلامی است. در همین زمینه شیعه معتقد است جنگ ابتدایی در اسلام تنها و با حضور معصوم محقق می‌شود

که بر محور اعتقاد استوار بوده و در جهت گسترش اسلام و نابودی کفر و شرک صورت می‌گیرد. (مروارید، 1410: 79)

واضح است که هدف چنین حمله‌ای، توده‌ی مردم و انسانها نیستند بلکه نظام و دستگاهی است که پرچمدار کفر و شرک بوده و مانع بروز و ظهور عقائد واقعی مردم و رسیدن پیام حیات بخش اسلام به آنان می‌شود. چنین تفکر و دیدگاهی قطعاً به تحمیل عقیده نخواهد گرایید، چه اینکه در صدر اسلام فاتحان مسلمان، مردم سرزمین‌های فتح شده را در پیمان جزیه قرار داده و اسلام آوردن‌شان را امری آزادانه تلقی می‌کردند. با این حال اسلام جنگ را برای محافظت از کیان انسانیت پذیرفته و برای حراست از اصول انسانی و تا جایی که جنگ و ضوابط وضع شده برای آن با این اصل در تعارض و تناقض نباشد قابل قبول است، اما اگر در جایی اقدامات جنگی توسط رزمندگان با مبانی انسانی و فطرت انسانی در تعارض قرار گیرد قطعاً انسانیت که هدف اسلام دفاع از آن است مقدم خواهد بود. پیامبر (ص) همواره مسلمانان را به جهاد در راه خدا فرمان می‌داد. بنابراین می‌توان اهدافی را مترتب بر جنگ و دفاع بر شمرد، از جمله جهاد در راه خدا و خالص نمودن این عمل صرفاً در جهت رضای الهی و کسب خوشنودی او.

هدف دومی که می‌توان از آن به عنوان انگیزه جنگ و جهاد نام برد، مقابله و جلوگیری از بروز و ظهور فتنه در دین است. پس از آنکه دستورات الهی برای مسامحه و مدارا با مشرکین مکه کارگر نیفتاد و دستورات و توصیه‌هایی مثل:

- و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله
- فاعفوا واصفحوا حتی یاتی الله بامرہ

و یا فرمایش پیامبر مبنی بر اینکه:... ای مردم آرزوی دیدن دشمن را نداشته باشید و از خدا سلامتی خود را بخواهید، (قائدان، 1378: 66) موثر واقع نشد و مسلمانان به مقابله و مبارزه و جهاد ترغیب شدند و آیاتی چون:

اذن الذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله... و یا آیه و قاتلوهم حتی لا تقاتلون حتی لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من رجال و نسا جنگ برای دفاع از دین، جان و اولاد خود برمی‌انگیزد و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من رجال و نسا سومین هدف مترتب بر جهاد دستیابی به زندگی بهتر و به عبارتی گذر از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب است. گرچه نمی‌توان دستیابی به زندگی بهتر را از اهداف اساسی و اصلی جهاد دانست، اما از آنجا که شریعت اسلام همواره خواهان تعالی و بهبود وضعیت مادی و معنوی مسلمانان است و دو راهبرد تعالی و توسعه را در راستای هم مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع نگاه به گنج‌ها و ثروت‌های کسری و روم و دستیابی به آنها انگیزه‌ی دومی را برای مسلمانان ایجاد کرد تا برای برطرف ساختن نیازهای اقتصادی و بهره‌مندی از یک زندگی ایده آل و جبران فشارها و ایداهای مشرکین مکه نیم‌نگاهی هم به ثروت انبوه دیگران داشته باشند. البته این نگاه در سایه دو هدف قبلی یعنی جهاد در راه خدا و مقابله با فتنه‌ها علیه دین آنچنان مهم نمی‌نماید (نصیری، 1392، 130).

با این حال برخورداری از تمتعات مادی و زندگی مرفه از نیازهای مسلمانان و مورد توجه ایشان بوده نه اسلام. توضیحا این که مسلمین در ابتدا و برای اهداف اقتصادی و مادی بلکه با نیت الهی و انجام وظیفه دینی و به منظور اشاعه‌ی دین توحید دست به جهاد زدند و این انگیزه‌ی غالب مسلمین البته به جز عده‌ای معدود بود. با این همه و در رویارویی و جهادهای پیش آمده، و یا کسب پیروزی‌های درخشانی که به دست آمد، چشم برخی از ایشان در برابر ذخایر آنچنانی سرزمین‌های فتح شده خیره ماند. این چرخش نگاه و مهمتر از آن تغییر نیت، منجر به نبردهایی شد که به هیچ روی با

اهداف اصلی و اساسی اسلام سازگاری نداشت. این تغییر نگرش قطعاً پس از رحلت رسول گرامی اسلام حادث شد و عمده ی مسلمانان و زمامداران جنگ جز معدودی به این دام گرفتار شدند. سیل غنائم، بردگان، کنیزان و... وارد سرزمین اسلامی شد. تا جایی که اهداف الهی و آسمانی دین در گرد و غبار برخاسته از سم چارپایان به غنیمت گرفته شده گم شد. نگاهی به دوره ی خلافت خلیفه سوم حاکی از آن است که اموال و دارایی های متنوع و متعدد به غنیمت گرفته از سال های قبل چگونه به محل جولان خلیفه مسلمین تبدیل شده بود و این تغییر و استحاله فکری مسلمین در زمان جنگ های داخلی ایشان و در دوره خلافت علی علیه السلام عیان شد. آنجا که در نبرد جمل، سپاه علی (ع) پس از شکست جبهه ی مقابل به جمع آوری غنائم پرداختند و امام (ع) ایشان را نهیب زد که این جنگ غنیمت ندارد. (عمید زنجانی، 1385، 248) این که مسلمانان در مدت کوتاهی ماهیت جهاد را به همان جنگ دوره ی جاهلی برگرداندند نتیجه ی همان تغییر نگاه به غنیمت ها و ثروتها در دوران پس از رحلت پیامبر (ص) بود. دلیل این ادعا در هنگامه ی آماده شدن مسلمانان برای فتح ایران بود، آنجا که خلیفه دوم در ترغیب مسلمین به جنگ گفت:..... حجاز برای شما مطلوب نیست مگر آن که به سوی آب و گیاه و نعمت بشتابید که ساکنان آن جز با آن نیرو نمی گیرند. (قائدان، 1378: 68)

2- قرآن اولین منبع برای اهداف جهاد

با این همه اگر قرآن را به عنوان اولین منبع برای بررسی و تبیین اهداف و انگیزه های جهاد معرفی کنیم می توان با مراجعه به آیات قرآن در خصوص سه مرحله ی:

1. آغاز و شروع جنگ
2. مسائل مربوط به حین جنگ
3. مباحث مربوط به پایان جنگ را مورد بررسی قرار داد

2-1- آغاز جهاد

از آنجا که روح جهاد درآیین خاتم دفاع بوده و در واقع تهاجم در راهبرد و دکترین اسلام جایی ندارد. به عبارتی صلح و امنیت مورد نظر اسلام بوده و جنگ پدیده ای عرضی و به صورت ضرورت و برای رفع موانع دفع ظلم و اقامه ی ایده ی توحید مطرح می شود. آیات ۲۰۸ و ۱۰۷ از سوره بقره و انبیا موید این بیان است. از این رو آیات جهاد در قرآن همواره مجوز اقدام به جنگ را تداعی می کند (هاشمی شاهرودی، 1394: 166).

دین اسلام پس از اذعان به اصل اجتناب ناپذیر جنگ و پس از تعیین علل و اهداف آن برای خود جنگ، برنامه قانونمندی بر پایه ی عدل، رحمت و رعایت حقوق و شعور انسانی تدوین کرده است. در آیات قرآنی و به صورت مکرر بر رعایت عدالت و عدم تجاوز از حدود معقول انسانی در مقابل دشمنان تاکید شده است (بقره: ۴۱۹ و ۱۹۰؛ مائده: 2).

از این رو و در راهبرد مبانی دینی آغاز به جنگ جایز نبوده مگر آنکه روح عداوت معاندان و مخالفان قطعی و حتمی شود. با این حال و در همین مرحله نیز تبلیغ، ارشاد و روشنگری از وظایف مسلمانان است. در سیره ی پیامبر (ص) که به عنوان اسوه ی حسنه مطرح است آمده است: هرگاه لشکری را به جنگ اعزام می فرمود آنها را جمع می کرد و مواردی را در قالب تذکر و ارشاد به ایشان می فرمود. (فیاض، 1369: 86)

از آغاز جنگ می‌توان با موضوع بسیج یا آمادگی عمومی نام برد. در قرآن مسلمین قبل از آغاز نبرد به بسیج و انسجام همگانی دعوت شده‌اند:

«انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا اموالهم و انفسهم فی سبیل الله ذالک من خیر لکم ان کنتم مومنین»، استنفار به معنای بسیج عمومی و آمادگی برای نبرد و یا جنگ همگانی بدون پذیرش هیچ عذری مطرح است. (شریعت‌مداری، 1377: 493)

روایت است که مسلمان ناتوان و ناینایی از رسول خدا(ص) پرسید آیا من هم باید آماده کارزار شوم؟ پیامبر(ص) به او فرمود: آری. تا اینکه آیه ی: لیس علی الاعمی حرج نازل شد. یا آیه «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات اوانفروا جمیعا» این آیه نیز صراحتاً دستور به بسیج عمومی و آمادگی کلی می‌دهد و نیز آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه...» نیز در همین راستاست.

در پایان این آیه عبارت: عداوا الله و عدوکم آمده که اشاره به یهود قریش و کفار عرب(آخرین من دونهم) دارد. البته خداوند مومنان را به بذل جان در راه خدا و آمادگی برای جهاد در راه او ترغیب می‌کند و این که نتیجه ی آن عدم مواجهه با ظلم و ستم است. ضمن یادآوری این نکته که تصحیح انگیزه ی درونی، مسئله ی مهم و اساسی است و بدین جهت کسانی که با انگیزه ی مغایر و خدشه دار در این کارزار دینی شرکت می‌کنند جزء منافقان اند. در این راستا خداوند در آیات ۶۴ و ۶۵ سوره توبه چنین استدلال می‌نماید که اگر آنان مومنین حقیقی بوده و به خروج برای جنگ و آمادگی جهاد در راه خدا تصمیم داشتند هر آینه برای خروج ابزار، سلاح، اسب و... را فراهم و مهیا می‌ساختند. در هر حال جهاد همان هدف الهی برای جنگ در اسلام و به تعبیری هدف و روش مقدسی است که خداوند به وسیله آن جنگ را برای مسلمانان مقرر داشته است. این نبرد جنگ در راه خداست که برای نشر دین و حمایت از آن صورت می‌گیرد و آن جنگ مشروع است.

اهمیت جهاد با مراجعه به آیات قرآن بیش از پیش روشن می‌شود. در این بین علاوه بر آیاتی که در ابتدا به آنها اشاره شد می‌توان به آیات زیر نیز توجه نمود:

- «الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله» (توبه: 20):
- «و من جاهد فانما یجاهد لنفسه» (عنکبوت: 6).
- «الذین آمنوا والذین هاجروا و جاهدوا» (بقره: 218).
- «کتب علیکم القتال و هم کره لکم» (بقره: 216).

بنابراین جهاد همان هدف الهی برای جنگ در اسلام و یا هدف و روش مقدسی است که خدای عزوجل به وسیله ی آن جهاد را برای مسلمانان مقدس داشته است. به بیانی خلاصه جنگ در راه خدا، نشر دین و حمایت از آن، ضمن این که با بررسی آیات نازل شده در باب جهاد چنین به دست می‌آید که عموم این آیات به نحو منطوقی یا مفهومی دلالت بر وجوب جهاد دارد. اما اینکه این وجوب عینی است یا کفایی قطعاً قابل بحث و دقت نظر است. چه اینکه امر جهاد با شرایط و ضوابط و رعایت جوانب خاص و دقیقی همراه بوده، و این بدان معنی است که اساساً تکلیف جهاد در یک چارچوب کاملاً مشخص و معین است و درک شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی، آن را از یک اقدام شخصی و فردی

خارج می‌کند. از این رو فقهای شیعه، با عنایت به اهداف جهاد، اقسام آن را مورد بررسی قرار داده مشروعیت آن را از جهات گوناگون ارزیابی می‌کند. در این راستا مرحوم کاشف الغطاء، جهاد را به پنج نوع: جهاد بر ای حفظ موجودیت اسلام، جهاد برای حفظ دماء اعراض و اموال مسلمین، جهاد برای کمک به سایر مسلمانان، جهاد برای بازگرداندن حاکمیت اسلام و در نهایت جهاد برای دعوت به اسلام تقسیم نموده است. آنچه در این تقسیم بندی مهم می‌نماید جهاد نوع پنجم است که مربوط به معصوم و نائب خاص اوست و فقهای عام بهره ای از آن ندارند. به عبارتی در چهار نوع اول جهاد، حضور معصوم لازم نبوده و بر مسلمانان است که در این موارد به پیروی از کسی که فرمان این جهاد را صادر کرده اطاعت نمایند.

از آنچه گفته شد و نظر به اهمیت فریضه ی جهاد و ارزشمندی آن، و نیز به منظور افزایش ابعاد معنوی و بالا بردن روحیه رزمندگان و به دنبال آن برخورداری از نیت و انگیزه الهی، قرآن تذکراتی را در قالب توجه پدیده ی مرگ و نیز اشاره به حیات اخروی و فانی بودن این دنیا را مد نظر قرار می‌دهد. این مسئله در آیاتی از قرآن قابل احصا است از جمله:

- «لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات»
- «اینما تکنونوا یدرکم الموت»
- «فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشترون الحیة الدنیا»
- «لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله اموات»

این تشویق و ترغیب روانی برای شرکت در جهاد تا آنجا پیش می‌رود که خداوند مجاهدان را بشارت به نصرت از سوی ملائکه می‌دهد. آیاتی در سوره انفال آیه ۹ و آل عمران آیه ۱۲۳ و ۱۲۶ بیانگر آن است که ملائکه در جنگ بدر به یاری مسلمانان شتافتند، قاعدتاً نیرویی که خداوند به وسیله ی آن مجاهدان را در جنگ بدر کمک نمود، نیرویی معنوی و ماورایی بوده و به هیچ روی مادی نبوده است. این مسئله را می‌توان با آیه ی: کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره (بقره: ۲۴۹) تایید نمود. سه عنوان جهاد در راه خدا، مقابله و جلوگیری از فتنه در دین خدا و دستیابی به زندگی بهتر به عنوان انگیزه های جنگ در اسلام مطرح شد. اکنون می‌توان به تعیین اهداف و انگیزه های جهاد در اسلام نیز اشاره کرد:

از نظر قرآن نشر دین مبین، مقابله با تجاوز و بازگرداندن مسلمین به سرزمینی که از آن رانده شده اند (بقره: ۱۹۰-۱۹۱)

قرآن دشمنان اسلام که جهاد با آنان واجب شده است را اینگونه معرفی می‌کند:

کسانی که با مسلمانان سر جنگ داشته و بر آنان ستم می‌کنند (بقره: ۱۹۳).

کسانی که مسلمانان را از سرزمین‌های خود رانده اند (بقره: ۱۹۱-۱۹۲).

اهل کتاب تا زمانی که جزیه بپردازند (توبه: ۲۹).

فتنه جویان یا مشترکانی که به آنچه خدا و رسول نازل کرده‌اند ایمان نداشته و فتنه گری می‌کنند (بقره: ۱۹۳؛ انفال: ۱۳۹).

2-2- مسائل مربوط به حین جنگ:

قطعاً مسائل و موارد مربوط به حین جنگ گسترده و فراوان است، با این حال و به صورت موجز، نکاتی در خصوص جنگ و جهاد را به قرار زیر مطرح می‌نماییم:

1. تمرکز دائم بر نیت و مواظبت دائمی بر آن به نحوی که خدشه‌ای بر نیت الهی جهاد وارد نشود.
2. عدم توجه به غنائم جنگی (آل عمران: 161)
3. میزان برابری و همسانی ساختن تجاوز دشمن و پاسخ درخور به آنها (بقره: 193؛ انفال: 38).
4. آیه «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» (بقره: 194 در همین زمینه است)
5. احترام و پایبندی به عهدها و پیمان‌ها: «وفوا بالعقود (مائده: 1) و وفوا بعهدالله اذا عاهدتم» (نحل: 91)

خداوند مسلمین را از یاری نمودن هم‌پیمانان دینی خود علیه قومی که بین آنها و مسلمین عهد و پیمانی دارند را منع نموده است. از این رو می‌فرماید: و ان تنصروکم فی الدین به مسلمانان به هر سبب و علت نقض پیمان و عهد و درگیری با کسانی که پیمانی با ایشان دارند، جایز نیست حتی اگر گروه مقابل کافر باشند و یا جنگ برای یاری مسلمانان مستضعفی باشد که کمک و یاری می‌طلبند، مگر اینکه کفار، عهد و پیمانشان را نقض کنند و یا مدت آن به سرآید. نکات مهم و قابل توجه دیگری که می‌توان در خصوص موضوعات مطرح در کشاکش جنگ به آن اشاره کرد که به قرار زیر است:

2-2-1- عدم درنگ در کشتن دشمن:

این مهم تا زمان ثبات و استقرار مسلمین لازم الاجرا است و نیز در بند نگه‌داشتن اسیران تا پایان کارزار این مساله تا زمانی که گشایشی برای رزمندگان فراهم شود ادامه می‌یابد. این که مسلمانان منت گذارده مبادرت به آزادی اسیران بدون مبادله نمایند.

- دریافت فدیه
- مبادله اسیران در بند با اسرای مسلمانی که گرفتار شده‌اند.

البته در خصوص نحوه‌ی رفتار با اسیران دشمن در ادامه این نوشتار به آن اشاره ای خواهیم داشت. در خصوص مسائل و موضوعات مربوط به حین جنگ، مسئله را با عنوان شایستگی‌ها و قابلیت‌های یک رزمنده‌ی مسلمان در حین جنگ می‌توان مطرح کرد. به عبارتی و پس از تحقق یافتن یک نیت و انگیزه صحیح در شروع جنگ اکنون می‌توان و باید خصوصیات کمی و کیفی مطلوب را برشمرد. این موارد می‌تواند با استناد و آیات و روایات و سیره پیامبر اکرم مورد ارزیابی و دقت قرار گیرد.

2-2-2- بررسی شرایط کیفی:

2-2-1- رضایت و رغبت:

به منظور شرکت در جهاد اولین شرط کیفی قابل اشاره است پیامبر(ص) در آستانه‌ی نبرد می‌فرمود کسی با ما جز به رضایت و رغبت در انجام جهاد خارج نشود و نیز به فرماندهان می‌فرمود کسی را از روی اجبار و اکراه در جنگ همراه نسازید.

2-2-1- شرایط احراز فرماندهی در جنگ:

علم به جنگ از مهمترین این شرایط است پیامبر در این زمینه می‌فرمود: کسی را به فرماندهی قوم خویش برگزینید که بهترین آن باشد، چشم او تیز و هوشیار و به جنگ بینا باشد. این که پیامبر در جنگ موته زید بن حارثه را به فرماندهی کل منصوب و فرمود: اگر کشته شد جعفر بن ابیطالب فرمانده است و پس از او عبدالله بن رواحه، حاکی از دقت نظر آن حضرت در انتخاب یک فرمانده قابل است.

2-2-1-3- تعیین اصول تاکتیکی و تکنیکی نظامی:

سیره ی پیامبر(ص) اسلام حاکی از آن است که اساسی‌ترین موارد و مسائل مرتبط با جنگ از نظر ایشان مغفول نمانده، مورد توجه و دقت آن حضرت قرار داشته است، مواردی از جمله:

- اهمیت آموزش رزمندگان قبل از جنگ توجه آن حضرت به تیراندازی و اسب سواری
- تعیین رفتاری که رعایت آنها در هنگام جنگ ضروری است.

پیامبر اسلام در این زمینه سیره و روش خاصی را از خود به یادگار گذاشته که برخی از آنها عبارتند از:

- دعوت مشرکان به اسلام قبل از جنگ
- تشویق به صبر و پایداری به هنگام رویارویی با دشمن
- موضوع شرکت زنان مسلمان در جنگ
- منع کمک گرفتن از مشرکین در جنگ

2-2-1-4- مشورت در جنگ:

از مسائل مهم و قابل توجه و از توصیه‌های موکد در کتاب و سنت موضوع مشورت است. این مساله در زمینه ی جنگ و دفاع، با افراد خبره، کاردان، مطلع و البته صالح یک امر بدیهی و ضروری است. روحیه ی استفاده از دیدگاه سایرین و دخالت دادن افراد در تصمیم‌گیری‌های مهم نشان از مدیریت صحیح و هوشمندانه است که در سیره ی پیامبر(ص) در امور خاصی چون جهاد کاملاً مشهود است: و کان کثیر المشاوره به اصحابه فی الجهاد: پیامبر در جهاد با یارانش مشورت و همراهی زیادی می‌کرد. تأیید بر این مطلب، نگاهی به وقایع و رخدادهای پس از هجرت و به خصوص مسائل مربوط به دفاع و تحرکات جهادی است. پیامبر در غزوه بدر با هر دو گروه انصار و مهاجر به مشورت نشست. در اثنای جنگ و در مورد کلیت نبرد و اینکه اساساً خود را در معرض این نبرد قرار دهند یا نه و نیز درباره محل استقرار در جنگ، همچنین در خصوص نحوه برخورد با اسرا.

در غزوه احد و مشاوره تاریخی پیامبر که نظر ایشان ماندن در مدینه و دفاع از شهر بود اما اکثریت مسلمانان بر آن بودند که از شهر خارج شده و در نهایت پیامبر نظر اکثریت را پذیرفت و نیز در غزوه خندق و ماجرای پیشنهاد مشورتی جناب سلمان درباره حفر خندق. علاوه بر موارد مشورتی یادشده در ماجرای طائف و نظر مشورتی و پیشنهادی نصب منجنیق و بالاخره در غزوه تبوک و مشورت با اصحاب در خصوص پیشروی یا بازگشت به مدینه.

2-2-3- شرایط کمی

2-2-3-1- تعیین سن رزمندگان:

از سیره ی پیامبر(ص) چنین به دست می آید که سن پانزده سال مورد نظر ایشان بوده است. در نبرد احد سوره بن جناب و رافع بن خدیج که هر کدام پانزده سال داشتند، در میان رزمندگان قرار گرفتند. از همین رو به اشخاص خاصی کمتر از این سن مانند اسامه بن زید عبدالله بن عامر و زید بن ثابت اجازه جهاد صادر نشد.

2-3-2-2- تعیین رده های فرماندهان:

آنچه امروز در عناوین جنگی به عنوان دسته گروهان، گردان و غیر از آن یاد می شود، در جنگ های صدر اسلام و توسط شخص پیامبر کاربرد داشته است. پیامبر برای عریفان گروه ده نفره و نقیبان گروه سه نفره فرماندهی به عنوان عریف و نقیب قرار می گرفت و برای لشکریان فرماندهانی قرار می داد. برای هر ده سرباز یک عریف و برای هر عریف یک نقیب قرار می داد؛ و البته فرمانده لشکر را از مسبوقین و مجربان تعیین می نمود.

2-3-2-2- عدم اجازه برای حضور تنها فرزند خانواده:

پیامبر از حضور تنها فرزندی که پدر و مادر کسی جز آن فرزند را نداشتند ممانعت می نمود. در سیره ی آن حضرت آمده است که مردی اجازه حضور در جنگ خواست و آن حضرت پرسید: آیا پدر و مادرت زنده اند؟ و وی پاسخ مثبت داد. آن حضرت فرمود: بازگردد و به پدر و مادرت نیکی و خدمت کن.

2-3-2-2- نظامت صفوف رزمندگان:

پیامبر قبل از جنگ از صفوف سربازان و رزمندگان سان دیده، آنها را منظم می نمود. این موضوع برآمده از آیه: کانهم بنیان مرصوص به دست می آید. توضیح این که: در همه سال های بعثت و پس از آن در سال های هجرت پیامبر به ساماندهی و سازماندهی نیروهای خود اهمیت زیادی قائل بود، و تربیت کادرهای چند نفره در مکه به منظور مقابله با مشرکان مکه و عکس العمل های به موقع در برابر تحرکات آنها و بسیج عمومی در مدینه جهت رویارویی با سه جبهه ی منافقان در مدینه، مشرکان در مکه و اهل کتاب در مکه و مدینه از اقدامات اساسی آن حضرت بود. تحرکات همه جانبه گروه های مخالف پیامبر و آسیب های گاه و بی گاه آنان ترسی تمام عیار را برای مسلمانان رقم زده بود تا جایی که اهالی مدینه روز و شب مسلح بودند. این موضوع سبب شد تا پیامبر از موضع یک حاکم دلسوز و آگاه و به مثابه ی یک فرماندهی بصیر اقدام به آموزش و سازماندهی مسلمانان می کرد. اصطلاح "تعبیه العساکر" عنوانی است که در راستای نظام دفاعی اهتمام به آرایش نیروها و تعیین فرماندهان به کار می رفته است.

2-3-2-2- کمین بر دشمن و تهیه اخبار از جبهه مقابل:

اقدامات دفاعی در قالب تاکتیک ها و تکنیک های دفاعی وقتی مثمر است که از جبهه مقابل اطلاعات کافی موجود باشد. اطلاعاتی چون نفرات جبهه مقابل، تجهیزات، نحوه و محل استقرار و..

پیامبر برای نیل به این مهم برنامه ریزی نموده، افرادی را برای انجام این مسائل تعیین می نمود. موید این بیان اصطلاحاتی است که در آن زمان مورد استفاده قرار می گرفته و شایع بوده است؛ برای مثال واژه هایی چون سربه، بعث، عصبه، جمره، کتیبه، مقنب، جیش و...

پیامبر(ص) برای کسب اطلاعات از دشمن علاوه بر به کارگیری افراد خاص، از گروه های اعزامی مشخصی که نام آنها در بالا اشاره شد بهره می برد. از این رو آن حضرت در غزوات افرادی را مامور کسب اخبار و اطلاعات از عده و عده دشمن می نمود. پیامبر(ص) به مامور مربوط دستور می داد در جایی به کمین باش و ما را از اخبار به دست آمده مطلع کن. البته

پیامبر(ص) تنها به آنچه از ناحیه جاسوسان می‌رسید اکتفا نمی‌کرد، و علاوه بر آن اخبار جبهه مقابل را از کسانی که به میان دشمن نفوذ می‌نمودند نیز به دست می‌آورد. آنچه امروز از آن به عنوان جاسوس و جاسوسی یاد می‌شود در فقه اسلامی دارای احکامی است که به تجسس حرام و تجسس مشروع تقسیم می‌شود:

نوع اول که بر مبنای آیه دوازدهم سوره حجرات است (... و لا تجسسوا) تجسس در قلمرو زندگی خصوصی افراد بوده و به عبارتی تجسس علیه مسلمانان است که اعم از تجسس در قلمرو و مسائل لشکری و کشوری است از این جهت جاسوسی علیه مسلمانان در جنگ حرام شمرده شده، چه اینکه جاسوس جنگی ممکن است از میان خود مسلمانان بوده یا (کافر حربی یا ذمی) می‌باشد که برای مجازات اینها نیز احکامی بیان شده است و نوع دوم که تجسس مشروع است مربوط به جاسوسی علیه کافران در حال جنگ برای کسب اطلاعات است.

2-2-3-6- اجازه مانور و غافلگیری در جنگ:

همواره دو عنصر پنهان کاری و غافلگیری مورد توجه پیامبر بوده است. در فتح مکه پیامبر فرمان بسیج صادر فرمود اما محل اعزام را مسکوت گذارد. البته پس از حرکت، مردم را از قصد خود به سوی مکه مطلع نمود و به آنها دستور تجهیز و پنهان کاری داد و نیز هنگام عزیمت به سوی مکه نگیبانانی را بر راه مواصلاتی مکه قرار داد تا اخبار درون شهر مکه را گزارش کنند.

2-2-3-7- حفظ اسرار نظامی و اختفاء اهداف:

از دیگر عوامل موفقیت در هر نظام دفاعی و رزمی حفظ اسرار، اهداف، نیروها و امکانات است. حفظ اسرار نظامی و مخفی داشتن اهداف امری ضروری و بدیهی است. اهمیت این مسئله دوچندان می‌شود، زمانی که در درون جامعه افراد و گروه‌های معاند هم حضور داشته باشند. در مدینه صدر اسلام، گروه‌هایی چون منافقان، یهودیان و بادیه نشین‌هایی که در آنجا و اطراف مدینه ساکن بودند. در این راستا پیوند یهود با قریش ارتباط خطرناکی را رقم زده بود که به دنبال آن قرآن هشدار قابل توجه به مسلمانان داده و آنان را به آماده‌باشی همه‌جانبه توصیه می‌کند: «لتجدن اشد الناس عداوه للذین آمنوا الیهود و الذین اشرکوا» (مائده: 83).

به یقین یهودیان و کسانی که مشرک شده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مومنان اند. در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره مائده ضمن اشاره به دشمنی عمیق مشرکان مکه و مدینه و یهودیان تحرکات آنها را نسبت به مسلمانان و نیز جاسوسی و ارتباط ایشان با یکدیگر را گوشزد می‌کند. در آیات یاد شده ضمن تحلیل رفتار ناهنجار منافقان و برخی از یهود به نکته‌ی مهم جاسوسی و خبرچینی تصریح شده و واضح است که مقصود از این نوع خبرچینی یک اتفاق و رخداد ساده و معمولی نیست، بلکه از رهگذر آن تصمیمات مهم و سرنوشت‌سازی رقم می‌خورد که می‌تواند سرنوشت و حرکت مسلمانان را با تأثیرات جدی و عمیق روبرو سازد.

2-2-3-8- به کارگیری برخی از اصول تاکتیک نظامی:

امروزه و در دانشگاه‌های نظامی جهان واژه تاکتیک متداول و مورد استفاده است. با این حال پیامبر با صدور فرامین نظامی که بر گرفته از تیزهوشی و فراست مثال‌زدنی ایشان بود اصول تاکتیکی خاصی را به کار می‌برد. از جمله این اصول می‌توان به فرمانی اشاره کرد که در جنگ احد و به لشکر خود ابلاغ نمود:

تا زمانی که فرمان جنگ نداده‌ام هیچکس از شما اقدام به جنگ نکند و نیز در همان جنگ تیراندازی را مأمور کرد تا در مقابل سواران دشمن و پشت رزمندگان مسلمان بر نقطه‌ای بلند در دره‌های کوه حدود مستقر شوند و به ایشان فرمود:

سواران دشمن را با تیرها بشکافید، تا از پشت بر ما نتازند و این عبارت تاریخی که فرمود: چه در جنگ پیروز یا شکست بخوریم برجای خود بمانید.

آنچه به عنوان یک تاکتیک نظامی در غزوه‌ها و نبردها از پیامبر قابل ملاحظه و دقت نظر است این که آغاز نبرد را در هنگام دمیدن فجر بر دشمن انتخاب می‌فرمود. این رویه اکنون نیز در جنگ‌های معاصر به عنوان یک اصل راهبردی مورد تاکید قرار می‌گیرد.

علاوه بر موارد یاد شده و در خصوص ویژگی‌های کمی‌جهاد می‌توان به عوامل زیر هم اشاره داشت:

انتخاب مکانی برای فرماندهی جنگ این مورد برای تسلط و اشراف بر میدان جنگ و نیز مصون ماندن از صدمه زدن دشمن است انتخابی مکانی برای جنگ این تدبیر به منظور جایگاه و موضع برتر و مناسب برای رزمندگان است برای نمونه در دو غزوه احد و بدر نحوه استقرار و آرایش مسلمانان قابل توجه است انتخاب ابزارهای مورد نظر در هر نبرد به عنوان نمونه حفر خندق در غزوه.

و استفاده از منجیق در غزوه..... انتخاب رزمندگان مناسب در شرایط خاص جنگی این مسئله نیز جهت شناخت صحیح و کامل مردم و ... انجام می‌گرفت برای نمونه انتخاب سه فرد مناسب در غزوه بدر برای مبارزه با جنگجویان جبهه مقابل.

2-3- نکات و موارد مربوط به پایان جنگ

اصول و قواعدی که برگرفته از سیره ی جهادی پیامبر(ص) است مبتنی بر امتیازات شریعت خاتم است. این موارد عبارتند از:

2-3-1- نهی از مثله کردن اجساد دشمن و نیز عدم کشتن زنان، اسرا، کودکان و بیماران:

پیامبر به دفعات و در غزوه‌های پیش آمده همواره سفارش می‌فرمود که:

به نام خدا و در راه او به جنگید کسانی که به خدا شرک ورزیده‌اند را بکشید اما افراط نکنید، خیانت نورزید، مثله نکنید و کودکی را نکشید.

2-3-2- نهی از خیانت در غنائم و ایجاد فساد در میان لشکریان:

پیامبر از رزمندگان را از خیانت در غنائم نهی کرده و همواره هشدار می‌داد که چنانچه کسی در این مورد خیانت ورزد خداوند فقر را بر او مسلط خواهد کرد.

2-3-3- نهی از شکستن پیمان در جنگ:

در این زمینه پیامبر (ص) فرموده است که هیچ گناهی بزرگتر و عظیم تر از خیانت فرمانده کل لشکر نیست. البته همانگونه که قبلاً گفته شد آن حضرت خدعه و حيله را صرفاً در جنگ اجازه می‌نمود و نیز جنگ با عهد شکنان را مجاز می‌دانست چنانچه با بنی قریظه به هنگام پیمان شکنی جنگید.

2-3-4- تعیین اصول و نحوه برخورد با اسیران و غنائم دشمن:

آن گونه که از مفاد آیه ۶۷ سوره انفال به دست می‌آید: «ما کان النبی ان یکون له الاسری حتی یشخن فی الارض». مسلمانان باید در کشتن دشمنان خود در معرکه نبرد درنگ کنند و تا هنگام ثبات و استقرار قطعی آنان را در بند کشند یا بر آنها منت نهاده، بدون مبادله آزادشان کنند یا در قبال آنان فدیة از مال دریافت یا اینکه با اسیران مسلمان مبادله کنند. شایان ذکر اینکه فقها در خصوص اعدام اسیر اختلاف نظر دارند چه این که گروهی از ایشان به جواز اعدام اسیر البته هنگامی که مصلحت مسلمانان در آن باشد نظر داده‌اند. همه فقها قائل به آزاد نمودن اسرا شده‌اند، که بدون گرفتن چیزی یا با گرفتن فدیة یا با مبادله با اسیران مسلمان. البته گروهی هم بنده ساختن آنها را جایز دانسته‌اند.

در این قسمت و با توجه به بحث پیش آمده نگاهی کوتاه در مورد حقوق اسیران جنگی و نحوه رفتار با آنها خواهیم داشت. انسان که مقام خلیفه الهی دارد از کرامت و حقوق خاصی برخوردار است که محافل حقوقی از آن به حقوق بشر تغییر می‌کنند. در زمان جنگ همه امتیازات و موارد مشروعی که اسلام در جنگ برای افراد جبهه مقابل در نظر گرفته به حقوق اسیران منتقل می‌شود. رفتار با اسیران جنگی علاوه بر آنکه در قرآن تبیین شده در سیره ی پیامبر اکرم (ص) نیز مشهود است. تاریخ صدر اسلام مملو از حوادث و رویدادهایی است که حاکی از رفتار پسندیده و انسانی اسلام در قبال اسیران جنگی است در حقیقت نحوه ی رفتار با اسرای جنگی در اهداف اصلی جهاد نهفته است. که قطعاً چیزی جدایی از اهداف متعالی دین اسلام نیست.

از آنجا که هدف اصلی گسترش و ترویج شریعت بوده تا از این رهگذر سعادت انسان ها تامین و صلح و امنیت در سرتاسر جهان حکمفرما شود. از این رو بنای اولیه بر مدار صلح است و جنگ یک امر ثانوی است، و بنابراین انتقام‌جویی عملی مذموم و ناشایست بوده و انسان بودن اسیر کفایت تا او بتواند از حقوق انسانی خود بهره مند شود. اگرچه نص صریح قرآن نحوه ی برخورد با اسیران جنگی را مشخص نموده، با این حال اختلاف نظر در این زمینه و در بین فقها امری اجتناب ناپذیر است.

در پایان چارچوب کلی این دیدگاه ها را به صورت ذیل بیان می‌کنیم:

1. هرگاه افراد دشمن در این جنگ دستگیر شوند محکوم به قتل اند با این حال اگر درخواست امان کنند از تعرض مصون‌اند.
2. اگر افراد دشمن بعد از خاتمه ی جنگ دستگیر شوند، اسیر جنگی محسوب شده و نباید حکم قتل را در موردشان جاری کرد. اما در عین حال می‌توان یکی از موارد زیر را در موردشان جاری کرد:
 - آزادی بدون قید و شرط در مواردی و در سیره ی پیامبر (ص) است که اسیران را بدون اخذ فدیة و شرطی به صورت بلاعوض آزاد می‌ساخت.
 - آزادی مشروط، و آن مشروط به مسلمان شدن اسیر، شرط پرداخت فدیة و غرامت، شرط سوادآموزی به مسلمانان یا شرط مبادله با اسیران مسلمان است. بردگی در هر حالت زنان و کودکان و به طور کلی کسانی که قتل آنان از نظر احکام دینی منع شده، چنانچه اسیر شوند جزء غنائم جنگی محسوب شده و حاکم حکومت اسلامی می‌تواند آنها را به بردگی محکوم کند.

4- وضعیت حقوقی اسیران جنگی و نحوه رفتار با آنها با توجه به آیات قرآن:

اساس و مبنا در این بحث آیات شریفه ی قرآن است اولین و بنیادی ترین آیه مربوط است به سوره بقره آیه ۱۹۰: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعدوا ان الله لا یحب المعتدین».

در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی با شما برخیزند جهاد کنید اما ستمکار نباشید که خداوند ستمکاران را دوست ندارد. بنابر مفاد آیه ی یاد شده مسلمانان در راه خدا جهاد می کنند با این حال جهادگران و سایرین نباید مرتکب ظلم و تعدی شوند و فقط با کسانی که به رویارویی مسلمانان آمده اند بجنگند. اسیر جنگی که به هر دلیل توان مبارزه را نداشته یا از جنگ منصرف شده نباید مورد تعرض قرار گیرد همچنین آیه ۸ سوره دهر چارچوب رفتاری با اسیران را نشان می دهد در این آیه پیامبر و اهل بیت ایشان پس از سه روز روزه داری غذای افطار خود را به اسیری انفاق می کنند.

همچنین در ششمین آیه از سوره توبه آمده است «و ان احد من المشركين استجارك و حتی...»، ای پیامبر هرگاه یکی از مشرکین به تو پناه آورد به او پناه داده و بعد از شنیدن کلام خدا او را به معنای و منزلش برساند از فحواى عايشه چنین به نظر می آید که نه تنها حسن رفتار با اسیران در بند توصیه شده بلکه مساعدت مادی و معنوی هم مورد تذکر قرار گرفته است.

بنابراین از آنچه بنابراین آنچه از نصوص دینی به دست می آید توجه به جهات مختلف درباره اسیر و بهره مندی از امکانات اولیه مورد توجه خاص فقه شیعی است صاحب جواهر الکلام در این مورد معتقد است اگر اسیری پس از خاتمه نبرد به اسارت درآمده باشد کشتن او روا نیست و امام و رهبر جنگ مختار است و می تواند او را آزاد کند و به هر حال امام بر اساس مصلحت خود عمل می کند. (نجفی جلد ۲۱ صفحه ۱۲۸) در متون فقهی آمده است واجب است به اسیر آب و غذا داده شود اگرچه مقرر است تا او کشته شود. علی علیه السلام کسانی را که محکوم به حبس بودند از بیت المال سیر مینود و به آنان رسیدگی می کرد از امام صادق است که فرمود پذیرایی از اسیر حق است از جانب کسی که او را اسیر نموده اگر چه قرار است فردا کشته شود از این رو شایسته است به او غذا داده سیرایش نمایند و به ملایمت و رفاقت با او برخورد کنند اعم از اینکه اسیر کافر باشد یا غیر از آن (جواهر الکلام)

آیه: «ما كان لبيبي أن يكون الاسرى حتى...» مفاد آیه چنین است که در جنگ بدر مسلمانان اسیران گرفتند و از پیامبر خواستند که آن ها زنده بمانند و در عوض خونبها پرداخت آزاد شوند این درخواست مورد اتاق خداوند قرار گرفت.

پاسخ به این سوال که اساسا آن آیا میتوان کسی را اسیر و آزادی او را سلب کرد در گرو با مراجعه به قرآن و سنت است در قران موضوع اسارت در شرایط خاص به امری جایز و در مواردی لازم و ضروری شمرده شده: «فاذا انسان الازهر الحرم» (توبه: 5) و آیه «فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب آل...»

بنا بر آیات فوق و آنچه در جنگ های بین مسلمانان و مشرکین و کفار رخ داده تعدادی به عنوان اسیر جنگی است و طبق ضوابط و قوانین با آنان برخورد شده است سه ضابطه و قانون آب اشاره با استمداد از آیات قرآن در این باره قابل بررسی است یک هدیه در برابر آزادی اسیر دو امکان آزاد شدن هر اسیر بدون پرداخت فدیة سه روش برگزیده قرآن درباره اسیر. در جمع بندی کلی و از نگاه اسلام می توان چنین نتیجه گیری کرد که اسیر در چه به عنوان اساسی در بند آزادی خود را از دست می دهند و برای مدتی در بنده مسلمانان است اما با این حال از حقوق و امتیازاتی برخوردار است که همه این حقوق و مدارا احسان نام دارد.

از فرمایشات امام محمد باقر است که فرمود «اتعامل اسیر بله احسان و علیه حق و موجب و انقلت هومن العقد»، احسان که جامعه همه نیکی ها خوبی ها و اعمال بشر دوستان است، در مورد تاکید شریعت اسلام بوده و تنها آحاد مردم باید در حقیقت دیگر احسان دار با دارند که در حد اسیر هم واجب شمرده شده است از این رو با توجه به شرایط و روحیات شخص اسیر احسان مورد توصیه قرار گرفته تا از این راه علاوه بر ادای حقوق مقرر و واجب، نیازهای روحی روانی او نیز

تأمین شود از این جهت و بنا بر آراء مشهور فقهای شیعه و حقوقدانان عصر حاضر در زمان غیبت امام معصوم اسیر جنگی به نظامیان گفته شده که در صحنه نبرد به دست سربازان اسلام گرفتار می‌شوند و بنابراین غیرنظامیان که در عملیات نظامی مداخله‌ای نداشته‌اند اسیر جنگی محسوب نمی‌شوند. شایان ذکر است عنوان "مجرم جنگی" شامل عوامل اصلی تجاوز کننده یا جاسوسان از حقوق اسرا برخوردار نیستند که این که میزان تاثیرگذاری این عوامل در صحنه جنگ متفاوت است مانند سربازی که دیگر در این جنگ به اسارت درآمده و به نوعی ملزم به حضور در صحنه نبرد شده با فرد آغاز کننده جنگ نمود تجاوز اصلی نمی‌تواند در نحوه مجازات یکسان باشد.

در نگاه حقوقدانان اسلامی بر مجازات جاسوس اتفاق نظر بوده آن گونه که در قوانین بین الملل نیز برای چنین افرادی مجازات اعدام حتی بدون محاکمه در نظر گرفته شده است در میان فقها شیخ طوسی شهید اول و شهید ثانی محقق حلی علامه حلی دارای دیدگاه تقریباً یکسانی در این زمینه اند. با این حال دیدگاه مرحوم امام خمینی با توجه به مباحث محدود به اسیران جنگی در طول دوران دفاع مقدس و استثنائاتی از ایشان به عمل آمده حائز اهمیت است دقت مرحوم امام (ره) و تاکید بر رعایت موازین اسلامی حسن رفتار با اسیران جنگی کشور متخاصم بیش از پیش بیانگر دیدگاه خاص ایشان در این زمینه است. سؤالاتی که از ایشان در خصوص مباحث مربوط به اسرا انجام شده از آن جمله این سوالات :

آیا میتوان اسیر را کشت ؟ تا چه موقع می‌توان نگهداری اسیر مبادرت نمود؟ تکلیف آن دسته از سربازان عراقی که تا آخرین گلوله می‌جنگند و سپس تسلیم می‌شوند چیست؟ آیا اسیران که به پشت خط منتقل می‌شوند را نمی‌توان کشت حتی اگر یقین داشته باشیم که وی فرد یا افرادی را کشته است؟ اگر جایز نیست حکم قاتل این نوع اسرا چیست آیا قاتل همچنان نفس محترم است یا نه؟ در همه این موارد مرحوم امام در یک بیان کلی پاسخ می‌دهد: با اسرا پس از تسلط یافتن باید با اخلاق اسلامی رفتار کنید. ایشان حتی درباره اهانت به اسرا پاسخ به عدم جایز بودن اهانت داده، اضافه میکند: بلکه نسبت به آنان باید اخلاق اسلامی را مراعات نمود. (جمعی از محققان، 1392: 346)

5- نتیجه گیری:

جهاد جنگ مقدس مسلمانان برای دفاع از حریت سرزمین اسلامی و عنوان یکی از ابواب فقهی است. در بیش از سیصد آیه از آیات قرآن احکام مربوط به جهاد و دیگر موارد مربوط به آن از قبیل: دفاع، شهید، اسیر، غ زوه، قتال و موارد دیگر بیان شده که شناخت و تفکیک و کاربرد آنها، کاملاً تخصصی و در خور دقت و تامل است. از این جهت مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی مانند کاربرد عام آن گونه ای از تلاش خاص بوده که به معنی مبارزه کردن در راه خدا با جان و مال و سایر دارایی‌هایی که در نبرد با دشمنان و یاغیان و یا به منظور گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن می‌باشد. علاوه بر این، معنای خاص و اصطلاحی جهاد در مفهوم لغوی خود به معنی ریاضت و مشقتی است که منطبق با فرهنگ جهاد باشد. ضمن آن که نزدیک به هشتاد آیه، خداوند مومنان را به جهاد دعوت کرده است.

1. Abrishmi Rad, Mohammad Amin; Aineh Nagini, Hossein, 2018, the comparison of the position and competences of the Supreme Court and the Court of Administrative Justice, New Administrative Law Research Quarterly, Year 1, Number 1, Winter (in Persian)
2. Ahmadi, Nemat, 1385, legal supervision of court decisions, Hafez Monthly, No. 30, first half of July (in Persian)
3. Ismaili, Hamidreza, 1400, the rights and duties of litigants in the first hearing, the second international research conference in engineering, science and technology, March. (in Persian)
4. Omid, Jalil, 2019, The Supreme Court's responsibility in systematizing the interpretation of criminal laws, Criminal Law and Criminology Quarterly, Volume 50, Number 1, Spring and Summer (in Persian)
5. Bahrami, Bahram, 1386, the principles of retrial, Tehran, Negah Bineh Publications (in Persian)
6. Jar, Khalil, 1376, Laros Persian Arabic Comprehensive Dictionary, translated by Seyyed Hamid, Tabibian, Tehran, Amir Kabir Publications, vol. 2, ch. 2. (in Persian)
7. Davodi, Mohammad Javad, 2013, The Supreme Court's Supervisory Jurisdiction in Iranian Law and French Law, Doctoral Dissertation, Faculty of Education and Law, to the guidance teacher: Dr. Alireza Azarbaijani (in Persian)
8. Dehkhoda, Ali Akbar, 1373, Dehkhoda Dictionary, Tehran, University of Tehran Publishing and Printing Institute, Chapter 1 of the New Period, Spring (in Persian)
9. Rasakh, Mohammad, 1390, Supervision and balance in the constitutional rights system, Tehran, Darak Publishing House, Ch 1. (in Persian)
10. Zareem, Abbas, 2014, Criminal Procedure Code, Tehran, Mizan Publications (in Persian)
11. Shafii Sardasht, Jafar; Gurji Azandriani, Ali Akbar; Fazlinejad, Javad, 2017, a conceptual overview of supervision in Iran's legal system, Administrative Law Quarterly, Year 6, Number 16, Autumn. (in Persian)
12. Shams, Abdullah, 1387, civil procedure of the advanced period, second volume, Tehran, Darak Publications, vol. 2, ch. 17.
13. Sadrzadeh Afshar, Seyed Mohsen, 1373, Civil and Commercial Procedures, Tehran, Majed University Jihad Publishing House, Vol. 1, Ch. 1 (in Persian)
14. Abedian, Mirhossein, 1387, Supreme Court of the country and supervision of the good implementation of laws, Legal Journal of Justice, No. 26, Spring 1387 Alami, Shamsuddin, 1354, Appellate proceedings and the need to change the procedure of the Supreme Court of the country, Legal Journal of the Ministry of Justice, No. 8 and 9, Khordad (in Persian)
15. Katouzian, Nasser, 2013, Introduction to the science of law and the study of the legal system of Iran, Tehran, Publishing Co., Ch. 38. (in Persian)
16. Gurji Azandriani, Ali Akbar, 2013, Monitoring the implementation of the Constitution: individual or institutional justice? Exclusive or network monitoring? Proceedings of the First National Conference of the Executive Power on the Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Vice President of Legal Affairs of the Presidency for Compilation, Revision and Publication of Laws and Regulations. (in Persian)
17. Matin Daftari, Ahmad, 2017, from the State Council to the Administrative Court, Basic Rights Journal, year 7, number 9 (in Persian)
18. Mohajeri, Ali, 1387, Expanded on Civil Procedure, third volume, Fakhr Sazan Publications, first edition, Tehran, (in Persian)
19. Nahrini, Fereydoun, 2016, Evidence and Procedure, Tehran, Ganj Danesh Publications (in Persian)
20. Hormazi, Khalil Elah, 2013, appeals from civil decisions and the supervisory role of the Supreme Court of the country in the correct implementation of laws, Tehran University doctoral thesis (in Persian)